

کابل نات، شماره ۱۰۱ سال پنجم اسد ۱۳۸۸ هجری خورشیدی اگست ۲۰۰۹ میلادی

اسکوتی ها



بر گردان از متن انگلیسی:
انجنیر براتعلی فرهید

منبع ویکی پدیا دانشنامه آزاد

قسمت اول

اسکوتی ها [۱] یا اسکوت ها [۲] (یونانی)، مردمان قدیم ایرانی اسپ سوار چادر نشین گله دار بودند که در بیابان های اطراف بحیره مکسپین در سرتاسر دوران کلاسیک قدیم مسلط بوده و بحیث اسکوتی شناخته میشدند.



این تصویر، وسعت تخمینی عهد باستان وسطی ایرانی زبان های شرقی را در قرن اول ق.م را برنگ نارنجی نشان میدهد

در باستان متأخر، خویشان نزدیک شان سرمتی ها [۳] ، برای تسلط بر اسکوت ها بدین ساحه آمدند. بسیاری از معلومات های باقی مانده راجع به اسکوت ها، از تاریخ های مؤرخ یونانی هرودوت (حدود ۴۴۰) ، از آرخیولوژی از طلا کاری های قشنگ شان که از تپه قبرهای اوکراین و جنوب روسیه کشف شده است، بدست می آید.

نام اسکوتی برای تشخیص مردمان متنوع که مشابه اسکوتی ها دیده میشدند، یا برای کسی نیکه در همه جا های این ساحه وسیع، دربرگیرنده اوکراین، جنوب روسیه و آسیای مرکزی کنونی زندگی میکردند، بکار برده شده است، آنها الا عهد باستان وسطی، بحیث اسکوتی شناخته میشدند.

تاریخ و آرخیولوژی

منشأ و ماقبل تاریخ (الا ۷۰۰ ق.م)

علمای زبان شناسی، عموماً زبان اسکوتی هارادر جمله زبان شرقی ایرانی تقسیم بندی میکنند؛ و اسکوتی هارا بحیث شاخه پی از مردمان قدیم ایرانی که در مناطق دشتی شمال ایران بزرگ از حدو ۱۰۰۰ ق.م پخش بودند، میدانند.

تاریخ هرودوت منابع کتبی بسیار مهمی درارتباط به اسکوت های قدیم ارائه میکند. قرار نظر سلیمیرسکی [۴] ، هرودوت یک شکل عموماً درستی ارائه میکند، اما قرار ظواهر از اسکوت های بخش شرقی کمتر میدانست. قرار نظر هرودوت، ایرانی های قدیم اسکوت ها را "سکا" خطاب میکردند (هرودوت بخش ۶۴). قبیله عمده شان، اسکوت های سلطنتی، سرزمین وسیع تحت تصرف خودرا بطور کل بحیث یک ملت اداره میکرد (هرودوت بخش چهارم ۲۰) و آنها خورا اسکولوتوی [۵] خطاب میکردند. اسوالد سیرینی [۶] یک بحث اساسی راجع به اتیمولوجی [۷] لغت اسکوت، در کار خود وقف میکند.

چهار نام اتنیکی قدیم ایران: اسکودرا - سوگدی - اسکوتی ها - سکا. لغت های وابسته، از اسکوزا [۸] ، یک لغت اندو - اروپائی قدیم برای کماندار (تیر انداز) مشتق شده است، لذا اشکوزی ایرانی مساوی کماندار میباشد. اسکوتی ها برای اول در سند تاریخی قرن ۸ ظاهر شد. اما هرودوت اینطور خبر داد:

"اینجا قصه دیگری است که حالا در بین رابطه قرارمیگرد که من به آن بیشتر مایلم اعتقاد کنم تا به دیگران. آن اینکه مهاجرت اسکوتی ها در آسیا موجود بود و با مساجتی ها جنگ کردند، اما با کامیابی ناجور روبرو شدند، از اینرو خانه های خودرا رها کرده، از اراکس [۹] عبور و داخل سرزمین سیرها [۱۰] شدند".

حدود ۶۷۶ ق.م، اسکوتی ها (برهبری اشپاکی [۱۱] — اسپاکیا [۱۲] قدیم ایرانی) همرا با منائن ها [۱۳] به آشوری ها حمله کردند. این گروه اول در اسناد سالانه آشوری ها بنام اشکوزی [۱۴] I ظاهر شد. طبق برداشت کوتاه از کتیبه اساره‌دان [۱۵] ، امپراطور آشوری این اتحادرا شکست داد. یاد آوری بعدی از اسکوتی ها در متن های بابیلونی [۱۶] و آشوری در رابطه با ماد ها آمده است. هر دو منابع قدیم فارسی و یونانی از ایشان در زمان دوره هخامنشی ها اشاره کرده اند ، منابع یونانی موقعیت شانرا در دشت های بین دنیپر [۱۷] و در یای دُن [۱۸] میدانستند.

عهد قدیم کلاسیک (۶۰۰ ق.م الا ۳۰۰ م.)

هرودوت اولین خصوصیت مشرح اسکوتی هارا ارائه کرد. او سیمری هارا بحیث قبیله معین اولی طبقه بندی میکند که توسط اسکوتی ها از شمال بحیره سیا بیرون رانده شدند.

هرودوت همچنان بیان میکند که اسکوتی ها مشتمل از اوکاتا [۱۹] ، کتیاروی [۲۰] تراسپی ها [۲۱] ، و پارالاتای [۲۲] یا " اسکوتی های سلطنتی" بودند. در همه کار های خود هرودوت مخصوصا بین اسکوتی های عادی در جنوب و اسکوتی های زراعت پیشه در شمال فرق گذاشته است (نقل قول لازم دارد).

در ۵۱۲ ق.م زمانیکه داریوش بزرگ فارس، به اسکوتی ها حمله کرد، قرار ادعا، بعد از عبور از دانیوب در داخل خاک آنها رخنه کرد. هرودوت بیان میکند اینکه اسکوتی های کوچی در فرسوده کردن تشکل ارتش فارس، از طریق گذاشتن حرکت شان در سرتاسر مملکت بدون کدام برخورد، موفق بودند. طبق نظر هرودوت، داریوش با این روش الا ولگا پیشرفت.

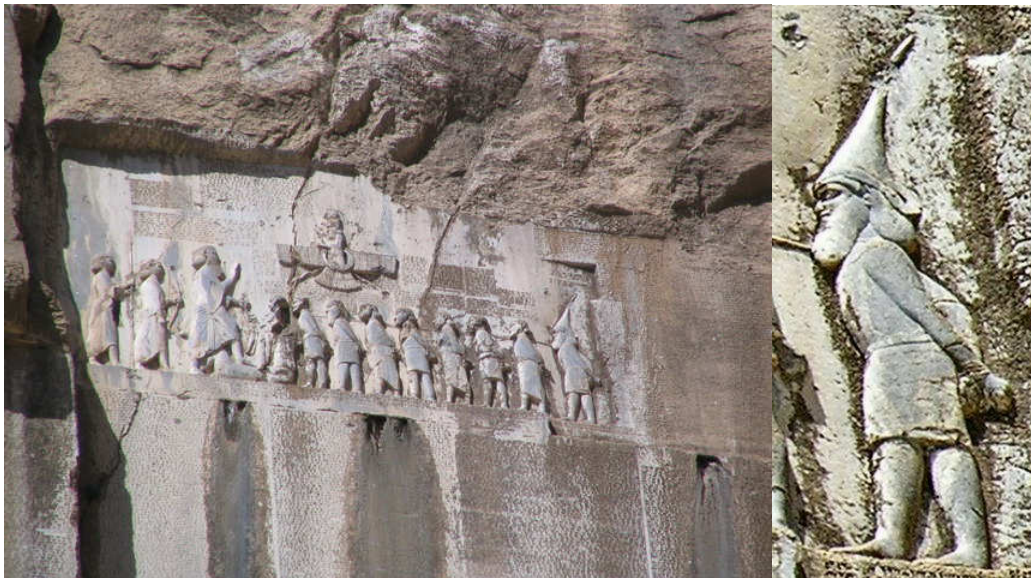
در جریان قرن ۵ الا ۳ ق.م اسکوتی ها واضحا ثروتمند بودند. زمانیکه هرودوت کتاب تاریخ خویش را مینوشت، یونانی ها اقلیت اسکوتی در رومانی و بلغاریای کنونی را از اسکوتی بزرگتر که بطرف شرق برای ۲۰ روز سواری از دریای دنیوب گذر شده از سرتاسر دشت های شرق اوکراین کنونی الا پائین حوضه دُن وسعت داشت، فرق قائل بودند. این دُن که بعدا بحیث تانایس [۲۳] شناخته شد، بحیث مسیر مهم تجارتي در وقت خود خدمت میکرد. اسکوتی ها ظاهرا ثروت خود را از طریق کنترل تجارت غلام از شمال به یونان از طریق بندرهای مستعمره بحیره سیاه یونان، اولیوی [۲۴] ، کرسونسوس [۲۵] ، سیمری، بسپورس [۲۶] و گورگیپی [۲۷] بدست می آوردند. آنها همچنان حبوبات زرع و گندم، رمه و پنبیر به یونان کشتی میکردند.

استرابو (حدود ۶۳ ق.م - ۲۴ م) خبر میدهد که اتیز شاه [۲۸]، قبائل اسکوتی را که بین دلدزار های ماوتی [۲۹] و دانیوب زندگی میکردند، زیر قدرت خود متحد ساخت. تصرفاتش بطرف غرب، او را در مناقشه با فلیب دوم از مسیدون (حکومت ۳۵۹ - ۳۳۶ ق.م) که بلاخره دست بعمل نظامی برضد اسکوتی ها در ۳۳۹ ق.م زد، کشانید. اتیز در جنگ فوت کرد، و امپراطوری او پاشان شد. کلت ها [۳۰] دیده شد که اسکوتی هارا از بالکان بیجا کردند، در حالیکه در جنوب روسیه قبیله هم خویش شان، سرمتی ها را بتدریج تحت تسلط خود در آوردند.

در زمان حساب استرابو (اولین دهه از اولین هزاره میلادی)، اسکوتی های کریمی دولت شاهی جدیدی که از پائین دنیبر الا کریم امتداد داشت ایجاد کرده بود. اسکیلوروس شاه [۳۱] و پلاکوس شاه [۳۲] با میتزیدات بزرگ [۳۳] (۱۲۰ - ۶۳ ق.م) برای کنترل سواحل کریمی ، بشمول کرسونسوس و بوسپوروس سیمری اقدام بجنگ کردند. پایتخت، نیاپل اسکوتی [۳۴] ، در کنار شهر مدرن سیمفروپول [۳۵] قرار داشت. گوتس [۳۶] آنرا در اواسط قرن سوم م.، خراب کرد.

سکا [۳۷]

آسیائی ها، مخصوصا فارس ها ، اسکوتی هارا در آسیا بحیث سکا میشناختند. اندو - اسکوتی ها در جنوب آسیا نام سکا [۳۸] داشتند. هرودوتوس آنها را بنام دیگری خطاب و بحیث اسکوتی ها تشریح کرد. سکای یا اسکوت ها پوشیده در پطلون بودند، و بر سرشان کلاه هایی که بر یک نقطه بلند میرسید، داشتند. آنها کمان ها و خنجر های مملکت خود را با خود داشته، در پهلوی آن تبر جنگی یا تبرزین حمل میکردند. در حقیقت آنها در امرگیان [۳۹] (غربی) اسکوتی ها بودند، اما فارس ها آنها را سکائی خطاب کردند. ازان به بعد بنام اسکوتی ها نام سکائی دادند.



چهره بزرگ نشان داده شده در این تصویر، اسکنخا [۴۰] شاه سکا تیگراشودا [۴۱] (با کلاه سکائی، یکی از
گروپ های قبیله اسکوتی ها)
تشریح : از سنگ نبشته بیستون

اندو - سیتی ها

در قرن دوم ق.م، یک گروپ از قبایل اسکوتی ، شناخته شده بحیث اندو - اسکوتی ، به باختر، سوگدیانا و ارا
کوزیا [۴۲] ، مهاجرت کردند. این مهاجرت ها در ۱۷۵ - ۱۲۵ ق.م قبائل کوشان (چینیائی یوچی) که اصلا
در شرق تاریم باسین پیش از آنکه قبائل هون ها (چینیائی شیانگنو [۴۳]) اندو - اسکوتی های آسیای
مرکزی را بیجا کنند، زندگی میکردند. تحت رهبری شاه خود ماوس [۴۴] ، آنها بلاخره در پنجاب و کشمیر
کنونی در حدود ۸۵ ق.م اقامت کردند. جائیکه آنها دولت شاهی اندو - یونای را توسط آژس دوم [۴۵] ()
حکومت حدود ۳۵ - ۱۲ ق.م) تبدیل کردند. کوشان دباره در قرن اول به هند تجاوز کرد اما حکمران اندو-
اسکوتی در بعضی ساحه های هند مرکزی الا قرن ۵ مقاومت کرد.



سکه نقره ای آژس پادشاه (ر.س ۳۵ - ۱۲ ق.م). در عقب آن نماد بودائی تری رتا [۴۶].

توجه اسکوتی - هلنیستی هنوز بالای شهر های هلنیستی و وجابجائی های کریمیا (مخصوصا در دولت
شاهی بوسپوران متمرکز بود. استاد کاران یونانی از مستعمره شمال بحیره سیاه تزئینات خارق العاده طلائی
به سبک اسکوتی ها ساختند.

باستان بعدی (۳۰۰ الی ۶۰۰ م.)

در باستان بعدی ملت انتیکی اسکوتی به مجهولیت رشد کرد و و بیرونی ها هرگونه افرادی که نفوذ جلگه
های کسپین را میساختند، بدون در نظر داشت زبان شان، بحیث اسکوتی ها بشمار آوردند. چنانچه پریسکوس

[۴۷] ، یک فرستاده بیزانتین به رژیِم اتیلا، تکراراً بازماندگان بعدی را به " اسکوتی ها" نسبت داد . در رژیِم اتیلا، ادکون [۴۸] گویا شاه اسکوتی ها بود.
 گوتها [۴۹] سرمت هارا در قرن دوم از بسیاری ساحه های سرحدی روم بیجا کردند، و در اوائل عهد وسطی قدیم، مهاجرت تورکی دیالکت ایران شرقی را حاشیه بندی کرده و زبان سکا را بخود گرفتند.

آرخیولوژی

بقایای آرخیولوژیکی اسکوتی ، قبر های گُرگان [۵۰] (ترتیب یافته از نمونه های ساده الا گُرگان های کارشده سلطنتی شامل سلاحای "سه گانه اسکوتی" ، تجهیزات اسپ، و استایل اسکوتی هنر حیوانات وحشی)، طلا، ابریشم، و قربانی حیوان را شامل میسازد، در این جاها هم چنان قربانی مشکوک انسانها، تخنیک مومیائی کردن و یخ دائمی در نگه داری نسبی بعضی باقی مانده ها کمک کرده است. بر علاوه آرخیولوژی اسکوتی ، بقایای شهر های شمال بحیره سیاه رامیتوان تجربه کرد.
 اجناس قبری فوق العاده اسکوتی ارضحان [۵۱] و دیگران در تووا [۵۲] تقریباً حدود ۹۰۰ ق.م تاریخ گزاری شده است. یک قبر کشف شده در ولگای پائین ، تاریخ مشابه را میدهد، و یکی از قبر های استبلو [۵۳] مربوط منطقه شرق، آخردوره اسکوتی های اروپائی را تاریخ قرن ۸ ق.م تاریخ گزاری کرده اند.



گنج کل - ابا [۵۴] ، نزدیک کرج [۵۵]

آرخیولوجیست ها میتوانند سه دوره بقایای آرخیولوژی اسکوتی های قدیم را مشخص کنند.
 ۱- دوره پیش از عهد اسکوتی و ابتدای عهد اسکوتی: از ۹ الا وسط قرن ۷ ق.م

۲- دوره اولی عهد اسکوتی: از قرن ۷ الا ۶ ق.م

۳- دوره کلاسیک عهد اسکوتی: از قرن ۵ الا ۴ ق.م

از قرن ۸ ق.م الا ۲ ق.م، آرخیولوژی تقسیمی بدو ساحه رهائشی رامعین و ثبت میکند: قدیمی آنرا در ساحه سیان - النای [۵۶] در آسیای مرکزی، و پسین آنرا در ساحه شمال بحیره سیاه، در شرق اروپا میدانند.

گُرگان

تپه های قبری بزرگ (بعضاً بالاتر از ۲۰ متر)، بقایای بسیار با ارزش آرخیولوژی در رابطه با اسکوتی ها را ارائه میکنند. آنها اوکراین و بیابان های جنوب روسیه را در امتداد زنجیره های بزرگ چندین کیلومتری از تیغه ها و آبریز هارا نقطه گزاری کرده است، از اینها آرخیولوجیست های بسیار در باره زندگی و هنر

اسکوتی آموخته اند. "کرهان [۵۷]" (اوکرائینی؟) و همین قسم مفهوم روسی کرگان، از لغت تورکی بمعنی قلعه مشتق شده است.



یک بازوار تخت یک پادشاه اسکوتی، قرن ۷ ق.م. در یرکمس [۵۸]، در کرسنودر کرای [۵۹] در ۱۹۰۵ یافت شده. در نمایش موزیم هرمیتاژ [۶۰]، سن پترسبورگ روسیه

تمگاها [۶۱]

قبایل و فرقه های اسکوتی به عقب خود نشانه های اتنولوژی مهمی را بحیث تمگاها (نشان های داغی [۶۲] برای شناخت دارائی های شخصی)، یک ضرورت برای اجتماعات رمه داری با ساحه های علوفه مشترک، بجا گذاشته اند.

تمگاها حرکت ها و مربوطات فامیلی را در جاهائیکه نوشته های ثبت شده باقی نمانده، اجازه دباره سازی میدهد.

در پهلوی شناسائی کردن دارائی، تمگاها سهمگیری اعضای فرقه را در عمل های جمعی (قرارداد ها، مراسم دینی، برادری، کاربرد های عمومی) نشانه گزاری میکردند، و بحیث سمبول های اتوریتی در ضرب سکه ها خدمت میکردند. اشکال تمگا برای ۲۰۰۰ سال بدون تغییر در بین خویشاوندان گروپ های اتنیکی شان باقی ماند، اما بعد از سقوط فرقه مشهور، فرقه دیگری تمگاهای او را بخود میگرفت.

استعمال وسیع تمگاها از غرب تورکستان و منگولیا، نه دیر تر از شروع قرن ۶ ق.م، منشع میگردد. تجربه تمگاها برای اکثر فرقه های قدرت مند و برای شاهان بوسپورس دانشمندان را اجازه میدهد که دقیقاً گنیا لوجی [۶۳] و روابط شانرا با مناطقی که از آنجا پدران شان: به اروپا، خراسان، کانگ - کو [۶۴]، باخترا، سوگدیانا مهاجرت کرده اند، پیدا کنند.

فرهنگ پازیریک [۶۵]

بعضی از قبرستان های اسکوتی عهد اول برونز که توسط آرخیولوجیست های مدرن تثبیت شده است، گران ها ی پازوریک در منطقه اولاگان [۶۶] مربوط جمهوری التای، جنوب نووسیبیرسک [۶۷] در کوه های التای جنوب سائبریا را شامل میسازد. آرخیولوجیست هافرنگ پازیریک را از این یافته ها: پنج تپه قبری بزرگ و تعداد زیاد کوچک آن، بین ۱۹۲۵ و ۱۹۴۹ که یکی آن در ۱۹۴۷ توسط آرخیولوجیست روسی سرگی رودنکو [۶۸] بازشد، بیرون آورده اند. تپه های قبری حمله های مخفی شده توسط گنده های چوب لارج که توسط ستون های از قاده سنک و سنگ های دیگر پوشیده شده است.

فرهنگ پازیریک بین قرن های ۷ و ۳ ق.م در ساحه که به سکائی مربوط بود شکوفان بود.

قبر های معمولی پازیریک تنها اشیای کارآمد عمومی را بخود داشت، اما در بین یکی دیگر از گنج ها، آرخیولوجست ها قالین مشهور پازیریک، قدیم ترین قالین پشمی شرقی را یافتند. کشف جالب دیگر، یک گاری سه متر بلند چار عراده جنازه بود که بطور عالی محفوظ از قرن ۵ ق.م باقی مانده است. گرچه بعضی از دانشمندان جستجو کردند که کوچی های پازیریک را با گروپ های انتیکی محلی التای در رابطه قرار دهند، رودنکو تشریحات کلتوری را در حکم ذیل جمع بندی کرد.

"همه آنچه که در این زمان در باره کلتور نفوس التای بالا، که در عقب خود ستون های سنگی بزرگی بجا گذاشته است، به ما معلوم است، به ما اجازه میدهد که این هارا بدوره اسکوتی و مخصوصا به گروپ پازیریک قرن ۵ ق.م نسبت دهیم. این توسط تاریخ گذاری رادیوکاربن پشتی بانی شده است".

حفریات بلسک [۶۹]

کنده کاری اخیر در بلسک نزدیک پولتوا [۷۰] (اوکراین)، یک شهر وسیع باداشتنن ساحه بزرگتر از ساحه هر شهری در دنیای زمان خود را ظاهر کرد. این بطور اتفاقی از طرف یک تیم آرخیولوجست ها به رهبری بوریس شرمکو [۷۱]، به جای گلونوس [۷۲]، پایتخت در نظر قرار گرفته شده اسکوتی ها شناخته شد. دیوار های کنترولی و ساحه وسیعی از ۴۰ کیلومتر مربع، از آنچه هرودوتوس بیان کرده تجاوز کرد. موقعیت او در کنار شمالی بیابان اوکراین، اجازه میداد که کنترل استراتیژی تجارت شمال - جنوب را بدست داشته باشند. یافته های مربوط قرن های ۵ و ۴ ق.م و وارکشاب های کاردستی و کوزه پزی های یونانی که به مقدار کافی موجود است، اینرا تصدیق میکند

گنج طلا تپه [۷۳]



شاهان با ازدها، طلا تپه

یک محل در ۱۹۶۸ در طلا تپه، در شمال افغانستان (باختر سابق) نزدیک شبرغان، مشتمل قبر های از پنج زن و یک مرد با ثروت جواهری عظیم پیدا شد که، دارای تاریخ قرن اول ق.م بوده و بطور عموم گمان برده شد که متعلق به قبایل اسکوتی باشد. این قبر ها دارای چندین هزار توته های نفیس زیورات بودند که معمولا از اشتراک طلا، فیروزه، لاجورد ساخته شده اند.



تاج شاهی، طلا تپه

در یافته هایی است که، در سطح بالاتری از رخنه تلفیق فرهنگی اند. کلتور هلنیستی و تاثیرات هنری در بسیاری از شکل ها و نمایش های انسان (از اموری [۷۴] تا با نمایش اتینا [۷۵] حلقه زده و نام ها به زبان یونانی نوشته شده) موجودیت امپراطوری سیلوسید پادشاهی یونان باختری در همین ساحه تا حدود ۱۴۰ ق.م ارائه میکند، ودوام موجودیت پادشاهی اندو - یونان در شمال غرب شبه قاره هند الا شروع دوره ما. این غنای تاثیرهای کلتوری در ساحه باختر در آن زمان را تصدیق میکند.

تاثیرات اسکوتی ها

چین

تاثیرات قدیم آسیای مرکزی بتعقیب تماس های میترپولینان (پایتخت مرکزی) چین با کوچی وساحه های مرز غربی از قرن ۸ ق.م در چین قابل درک است. یاده [۷۶] (یک نوع سنگ) تراش های چینی شروع به تقلید از دیزاین دشت نشین ها کردند. چینی ها هنر حیوانی دیزاین اسکوتی دشت نشین ها (نمایش حیوانات در حال جنگ در قفس) ، مشخصا قاب چارگوشی کمر بند ساخته شده از طلا و برنز را بخود گرفتند. وسلیقه خود را در یاده واستیتایت [۷۷] خلق کردند.

به تعقیب رانده شدن از طرف یوچی، ممکن بعضی اسکوتی ها در ینان [۷۸] ، در جنوب چین، مهاجرت کرده باشند. حفاری های هنر ماقبل التاریخ تمدن دیان [۷۹] ازینان، صحنه های از شکار سوار کاران قفقازی با لباس های آسیای مرکزی را برملا ساخته است.



قاب های در استایل اسکوتی هنر حیوانی دشت ها، ساخته شده از سنگ های استتایت و یاده مربوط به قرن ۳ ق.م موزیم انگلیس

شمال شرق آسیا

نفوذ اسکوتی در جا های دور در کوریا و جاپان شناسایی شده است. نمونه های هنری مختلف کوریائی، از قبیل تاج های شاهی از دولت شاهی سیلا [80] موجود است که، گفته میشود از دیزاین اسکوتی باشند. تاج های مشابه، که در تماس با این سرزمین آورد شده اند، میتوانند در دوره کوفون [81] جاپان پیدا شوند.



تاج سیلا

اسکوتی‌ها [۱] یا اسکوت‌ها [۲] (یونانی)، مردمان قدیم ایرانی اسپ سوار چادر نشین گله دار بودند که در بیابان‌های اطراف بحیرةکسپین در سرتاسر دوران کلاسیک قدیم مسلط بوده و بحیث اسکوتی شناخته می‌شدند.



این تصویر، وسعت تخمینی عهد باستان وسطی ایرانی زبان‌های شرقی را در قرن اول ق.م را برنگ نارنجی نشان می‌دهد

در باستان متأخر، خویشان نزدیک شان سرمتی‌ها [۳]، برای تسلط بر اسکوت‌ها بدین‌ساحه آمدند. بسیاری از معلومات‌های باقی مانده راجع به اسکوت‌ها، از تاریخ‌های مؤرخ یونانی هرودوت (حدود ۴۴۰ ق.م) از آرخیولوژی از طلاکاری‌های قشنگ‌شان که از تپه قبرهای اوکراین و جنوب روسیه کشف شده است، بدست می‌آید.

نام اسکوتی برای تشخیص مردمان متنوع که مشابه اسکوتی‌ها دیده می‌شدند، یا برای کسانیکه در همه جا‌های این‌ساحه وسیع، دربرگیرنده اوکراین، جنوب روسیه و آسیای مرکزی کنونی زندگی می‌کردند، بکار برده شده است، آنها الا عهد باستان وسطی، بحیث اسکوتی شناخته می‌شدند.

تاریخ و آرخیولوژی

منشأ و ماقبل تاریخ (الا ۷۰۰ ق.م)

علمای زبان‌شناسی، عموماً زبان اسکوتی‌ها را در جمله زبان شرقی ایرانی تقسیم بندی می‌کنند؛ و اسکوتی‌ها را بحیث شاخه‌یی از مردمان قدیم ایرانی که در مناطق دشتی شمال ایران بزرگ از حدود ۱۰۰۰ ق.م پخش بودند، میدانند.

تاریخ هرودوت منابع کتبی بسیار مهمی در ارتباط به اسکوت‌های قدیم ارائه می‌کند. قرار نظر سلیمیرسکی [۴]، هرودوت یک شکل عموماً درستی ارائه می‌کند، اما قرار ظواهر از اسکوت‌های بخش شرقی کمتر

میدانست. قرار نظر هرودوت، ایرانی های قدیم اسکوت ها را "سکا" خطاب میکردند (هرودوت بخش ۶۴).
قبیله عمده شان، اسکوت های سلطنتی، سرزمین وسیع تحت تصرف خود را بطور کل بحیث یک ملت اداره
میکرد (هرودوت بخش چهارم ۲۰) و آنها خورا اسکولوتوی [۵] خطاب میکردند. اسوالد سیمینی [۶] یک
بحث اساسی راجع به اتیمولوجی [۷] لغت اسکوت، در کار خود وقف میکند.

چهار نام اتنیکی قدیم ایران: اسکودرا - سوگدی - اسکوتی ها - سکا.
لغت های وابسته، از اسکوزا [۸] ، یک لغت اندو - اروپائی قدیم برای کماندار (تیر انداز) مشتق شده است،
لذا اشکوزی ایرانی مساوی کماندار میباشد.
اسکوتی ها برای اول در سندن تاریخی قرن ۸ ظاهر شد. اما هرودوت اینطور خبر داد:

"اینجا قصه دیگری است که حالا در بین رابطه قرار میگرد که من به آن بیشتر مایلم اعتقاد کنم تا به دیگران.
آن اینکه مهاجرت اسکوتی ها در آسیا موجود بود و با مساجتی ها جنگ کردند، اما با کامیابی ناجور روبرو
شدند، از اینرو خانه های خود را رها کرده، از اراکس [۹] عبور و داخل سرزمین سیمرها [۱۰] شدند".

حدود ۶۷۶ ق.م، اسکوتی ها (برهبری اشپاک [۱۱] - اسپاکیا [۱۲] قدیم ایرانی) همرا با مئانن ها [۱۳] به
آشوری ها حمله کردند. این گروه اول در اسناد سالانه آشوری ها بنام اشکوزی [۱۴] I ظاهر شد. طبق
برداشت کوتاه از کتیبه اِسارهدان [۱۵] ، امپراطور آشوری این اتحاد را شکست داد. یاد آوری بعدی از
اسکوتی ها در متن های بابیلونی [۱۶] و آشوری در رابطه با ماد ها آمده است. هر دو منابع قدیم فارسی
و یونانی از ایشان در زمان دوره هخامنشی ها اشاره کرده اند ، منابع یونانی موقعیت شانرا در دشت های
بین دنیپر [۱۷] و دریای دُن [۱۸] میدانستند.

عهد قدیم کلاسیک (۶۰۰ ق.م الا ۳۰۰ م.)

هرودوت اولین خصوصیت مشرح اسکوتی هارا ارائه کرد. او سیمیری هارا بحیث قبیله معین اولی طبقه بندی
میکند که توسط اسکوتی ها از شمال بحیره سیاه بیرون رانده شدند.
هرودوت همچنان بیان میکند که اسکوتی ها مشتمل از اوکاتا [۱۹] ، کتیاروی [۲۰]
تراسپی ها [۲۱] ، و پارالاتای [۲۲] یا " اسکوتی های سلطنتی" بودند. در همه کار های خود هرودوت
مخصوصا بین اسکوتی های عادی در جنوب و اسکوتی های زراعت پیشه در شمال فرق گذاشته است (نقل
قول لازم دارد).

در ۵۱۲ ق.م زمانیکه داریوش بزرگ فارس، به اسکوتی ها حمله کرد، قرار ادعا، بعد از عبور از دانیوب در
داخل خاک آنها رخنه کرد. هرودوت بیان میکند اینکه اسکوتی های کوچی در فرسوده کردن تشکل ارتش
فارس، از طریق گذاشتن حرکت شان در سرتاسر مملکت بدون کدام برخورد، موفق بودند. طبق نظر
هرودوت، داریوش با این روش الا ولگا پیشرفت.

در جریان قرن ۵ الا ۳ ق.م اسکوتی ها واضحا ثروتمند بودند. زمانیکه هرودوت کتاب تاریخ خویش را
مینوشت، یونانی ها اقلیت اسکوتی در رومانی و بلغاریای کنونی را از اسکوتی بزرگتر که بطرف شرق برای
۲۰ روز سواری از دریای دنیوب گذر شده از سرتاسر دشت های شرق اوکراین کنونی الا پائین حوضه دُن
وسعت داشت، فرق قائل بودند. این دُن که بعدا بحیث تانایس [۲۳] شناخته شد، بحیث مسیر مهم تجارتي در
وقت خود خدمت میکرد. اسکوتی ها ظاهرا ثروت خود را از طریق کنترل تجارت غلام از شمال به یونان از
طریق بندرهای مستعمره بحیره سیاه یونان، اولیوی [۲۴] ، کرسونسوس [۲۵] ، سیمیری، بسپورس [۲۶] و
گورگیپی [۲۷] بدست می آوردند. آنها همچنان حبوبات زرع و گندم، رمه و پنیر به یونان کشتی میکردند.

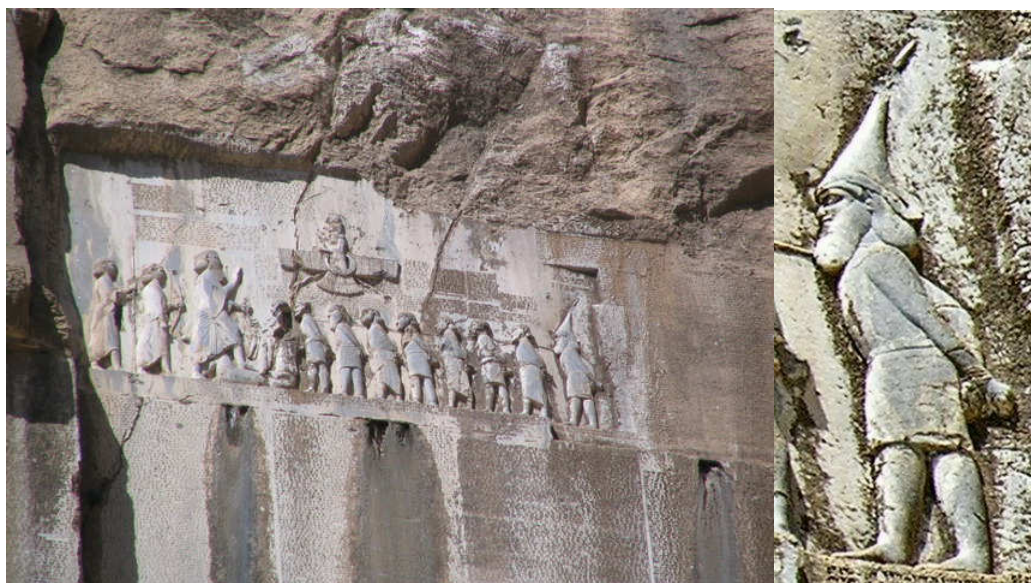
استرابو (حدود ۶۳ ق.م - ۲۴ م) خبر میدهد که اتیز شاه [۲۸]، قبائل اسکوتی را که بین دلدلزار های مالوتی
[۲۹] و دانیوب زندگی میکردند، زیر قدرت خود متحد ساخت. تصرفاتش بطرف غرب، او را در مناقشه با
فلیب دوم از مسیدون (حکومت ۳۵۹ - ۳۳۶ ق.م) که بلاخره دست بعمل نظامی برضد اسکوتی ها در ۳۳۹

ق.م زد، کشانید. انیز در جنگ فوت کرد، وامپراطوری او پاشان شد. کلت ها [۳۰] دیده شد که اسکوتی هارا از بالکان بیجا کردند، در حالیکه در جنوب روسیه قبیله هم خویش شان، سرمتی ها را بتدریج تحت تسلط خود در آوردند.

در زمان حساب استرابو (اولین دهه از اولین هزاره میلادی)، اسکوتی های کریمی دولت شاهی جدیدی که از پائین دنپیر الا کریم امتداد داشت ایجاد کرده بود. اسکیلوروس شاه [۳۱] و پلاکوس شاه [۳۲] با میتزیدات بزرگ [۳۳] (۱۲۰ - ۶۳ ق.م) برای کنترل سواحل کریمی ، بشمول کرسونسوس و بوسپروس سیمیری اقدام بجنگ کردند. پایتخت، نیاپل اسکوتی [۳۴] ، در کنار شهر مدرن سیمفروپول [۳۵] قرار داشت. گوتس [۳۶] آنرا در اواسط قرن سوم م.، خراب کرد.

سکا [۳۷]

آسیائی ها، مخصوصا فارس ها ، اسکوتی هارا در آسیا بحیث سکا میشناختند. اندو - اسکوتی ها در جنوب آسیا نام شکا [۳۸] داشتند. هرودوتوس آنها را بنام دیگری خطاب و بحیث اسکوتی ها تشریح کرد. سکای یا اسکوت ها پوشیده در پطلون بودند، و برسرشان کلاه هایی که بر یک نقطه بلند میرسید، داشتند. آنها کمان ها و خنجر های مملکت خود را با خود داشته، درپهلوی آن تیر جنگی یا تیرزین حمل میکردند. درحقیقت آنها درامرگیان [۳۹] (غربی) اسکوتی ها بودند، اما فارس ها آنها را سکائی خطاب کردند. ازان به بعد بنام اسکوتی ها نام سکائی دادند.



چهره بزرگ نشان داده شده در این تصویر، اسکنخا [۴۰] شاه سکا تیگراشودا [۴۱] (با کلاه سکائی، یکی از گروپ های قبیله اسکوتی ها)
تشریح : از سنگ نبشته بهیستون

اندو - سیتی ها

در قرن دوم ق.م، یک گروپ ازقبایل اسکوتی ، شناخته شده بحیث اندو - اسکوتی ، به باختر، سوگدیانا و ارا کوزیا [۴۲] ، مهاجرت کردند. این مهاجرت ها در ۱۷۵ - ۱۲۵ ق.م قبائل کوشان (چینائی یوچی) که اصلا در شرق تاریم باسین پیش از آنکه قبائل هون ها (چینائی شیانگنو [۴۳]) اندو - اسکوتی های آسیای مرکزی را بیجا کنند، زندگی میکردند. تحت رهبری شاه خود ماوس [۴۴] ، آنها بلاخره در پنجاب و کشمیر کنونی در حدود ۸۵ ق.م اقامت کردند. جائیکه آنها دولت شاهی اندو - یونای را توسط آرس دوم [۴۵])

حکومت حدود ۳۵-۱۲ ق.م) تبدیل کردند. کوشان دباره در قرن اول به هند تجاوز کرد اما حکمران اندو-اسکوتی در بعضی ساحه های هند مرکزی الا قرن ۵ مقاومت کرد.



سکه نقره ای آرس پادشاه (ر.س ۳۵ - ۱۲ ق.م). در عقب آن نماد بودائی تری رتنا [۴۶].

توجه اسکوتی - هلنیستی هنوز بالای شهر های هلنیستی و وجایجائی های کریمیا (مخصوصا در دولت شاهی بوسپوران متمرکز بود. استاد کاران یونانی از مستعمره شمال بحیره سیاه تزئینات خارق العاده طلائی به سبک اسکوتی ها ساختند.

باستان بعدی (۳۰۰ الا ۶۰۰ م.)

در باستان بعدی ملت انتیکی اسکوتی به مجهولیت رشد کرد و و بیرونی ها هرگونه افرادی که نفوذ جلگه های کسپین را میساختند، بدون در نظر داشت زبان شان، بحیث اسکوتی ها بشمار آوردند. چنانچه پریسکوس [۴۷] ، یک فرستاده بیزانتین به رژییم اتیلا، تکراراً بازماندگان بعدی را به " اسکوتی ها" نسبت داد. در رژییم اتیلا، ادکون [۴۸] گویا شاه اسکوتی ها بود.

گوتها [۴۹] سرمت هارا در قرن دوم از بسیاری ساحه های سرحدی روم بیجا کردند، و در اوائل عهد وسطی قدیم، مهاجرت تورکی دیالکت ایران شرقی را حاشیه بندی کرده و زبان سکا را بخود گرفتند.

آرخیولوژی

بقایای آرخیولوژیکی اسکوتی ، قبر های گرگان [۵۰] (ترتیب یافته از نمونه های ساده الا گرگان های کارشده سلطنتی شامل سلاحای "سه گانه اسکوتی" ، تجهیزات اسپ، و استایل اسکوتی هنر حیوانات وحشی)، طلا، ابریشم، و قربانی حیوان را شامل میسازد، در این جاها هم چنان قربانی مشکوک انسانها، تخنیک مومیائی کردن و یخ دائمی در نگه داری نسبی بعضی باقی مانده ها کمک کرده است. بر علاوه آرخیولوژی اسکوتی ، بقایای شهر های شمال بحیره سیاه رامیتوان تجربه کرد.

اجناس قبری فوق العاده اسکوتی ارضحان [۵۱] و دیگران در تووا [۵۲] تقریباً حدود ۹۰۰ ق.م تاریخ گزاری شده است. یک قبر کشف شده در ولگای پائین ، تاریخ مشابه را میدهد، و یکی از قبر های استبلو [۵۳] مربوط منطقه شرق، آخردوره اسکوتی های اروپائی را تاریخ قرن ۸ ق.م تاریخ گزاری کرده اند.



گنج کل - أبا [۵۴] ، نزدیک کرج [۵۵]

آرخیولوجیست ها میتوانند سه دوره بقایای آرخیولوژی اسکوتی های قدیم را مشخص کنند.
 ۱- دوره پیش از عهد اسکوتی و ابتدای عهد اسکوتی: از ۹ الا وسط قرن ۷ ق.م

۲- دوره اولی عهد اسکوتی: از قرن ۷ الا ۶ ق.م

۳- دوره کلاسیک عهد اسکوتی: از قرن ۵ الا ۴ ق.م

از قرن ۸ ق.م الا ۲ ق.م، آرخیولوژی تقسیمی بدو ساحه رهائشی رامعین و ثبت میکند: قدیمی آنرا در ساحه سیان - التای [۵۶] در آسیای مرکزی، و پسین آنرا در ساحه شمال بحیره سیا، در شرق اروپا میداند.

کُرگان

تپه های قبری بزرگ (بعضا بالاتر از ۲۰ متر)، بقایای بسیار با ارزش آرخیولوژی در رابطه با اسکوتی ها را ارائه میکنند. آنها اوکراین و بیابان های جنوب روسیه را در امتداد زنجیره های بزرگ چندین کیلومتری از تیغه ها و آبریز هارا نقطه گزاری کرده است، از اینها آرخیولوجست های بسیار در باره زندگی و هنر اسکوتی آموخته اند. "کرهان [۵۷]" (اوکرائینی؟) و همین قسم مفهوم روسی کرگان ، از لغت تورکی بمعنی قلعه مشتق شده است.



یک بازوار تخت یک پادشاه اسکوتی، قرن ۷ ق.م. در یرکمس [۵۸] ، در کرسنودر کرای [۵۹] در ۱۹۰۵ یافت شده. در نمایش موزیم هرمیتاژ [۶۰] ، سن پترسبورگ روسیه

تمگا ها [۶۱]

قبایل و فرقه های اسکوتی به عقب خود نشانه های اتنولوژی مهمی را بحیث تمگا ها (نشان های داغی [۶۲] برای شناخت دارائی های شخصی)، یک ضرورت برای اجتماعات رمه داری با ساحه های علوفه مشترک، بجا گذاشته اند.

تمگا ها حرکت ها و مربوطات فامیلی را در جاهائیکه نوشته های ثبت شده باقی نمانده، اجازه دباره سازی میدهد.

در پهلوی شناسائی کردن دارائی، تمگاها سهمگیری اعضای فرقه را در عمل های جمعی (قرارداد ها، مراسم دینی، برادری، کاربرد های عمومی) نشانه گزاری میکردند، و بحیث سمبول های اتوریتی در ضرب سکه ها خدمت میکردند. اشکال تمگا برای ۲۰۰۰ سال بدون تغییر در بین خویشاوندان گروپ های اتنیکی شان باقی ماند، اما بعد از سقوط فرقه مشهور، فرقه دیگری تمگاهای او را بخود میگرفت.

استعمال وسیع تمگاها از غرب تورکستان و منگولیا، نه دیر تر از شروع قرن ۶ ق.م، منشع میگردد. تجربه تمگاها برای اکثر فرقه های قدرت مند و برای شاهان بوسپورس دانشمندان را اجازه میدهد که دقیقاً گنیا لوجی [۶۳] و روابط شانرا با مناطقی که از آنجا پدران شان: به اروپا، خراسان، کانگ - کو [۶۴]، باختر، سوگدیانا مهاجرت کرده اند، پیدا کنند.

فرهنگ پازیریک [۶۵]

بعضی از قبرستان های اسکوتی عهد اول برونز که توسط آرخیولوجیست های مدرن تثبیت شده است، گرگان های پازوریک در منطقه اولاگان [۶۶] مربوط جمهوری التای، جنوب نووسیبیرسک [۶۷] در کوههای التای جنوب سائبریا را شامل میسازد. آرخیولوجیست هافرنگ پازیریک را از این یافته ها: پنج تپه قبری بزرگ و تعداد زیاد کوچک آن، بین ۱۹۲۵ و ۱۹۴۹ که یکی آن در ۱۹۴۷ توسط آرخیولوجیست روسی سرگی رودنکو [۶۸] بازشد، بیرون آورده اند. تپه های قبری حجله های مخفی شده توسط گنده های چوب لارج که توسط ستون های از قاده سنگ و سنگ های دیگر پوشیده شده است.

فرهنگ پازیریک بین قرن های ۷ و ۳ ق.م در ساحه که به سکائی مربوط بود شکوفان بود. قبر های معمولی پازیریک تنها اشیای کارآمد عمومی را بخود داشت، اما در بین یکی دیگر از گنج ها، آرخیولوجیست ها قالین مشهور پازیریک، قدیم ترین قالین پشمی شرقی را یافتند. کشف جالب دیگر، یک گاری سه متر بلند چار عراده جنازه بود که بطور عالی محفوظ از قرن ۵ ق.م باقی مانده است. گرچه بعضی از دانشمندان جستجو کردند که کوچی های پازیریک را با گروپ های اتنیکی محلی التای در رابطه قرار دهند، رودنکو تشریحات کلتوری را درحکم ذیل جمع بندی کرد. "همه آنچه که در این زمان در باره کلتور نفوس التای بالا، که در عقب خود ستون های سنگی بزرگی بجا گذاشته است، به ما معلوم است، به ما اجازه میدهد که این هارا بدوره اسکوتی و مخصوصا به گروپ پازیریک قرن ۵ ق.م نسبت دهیم. این توسط تاریخ گزاری رادیوکاربن پستی بانی شده است".

حفریات بلسک [۶۹]

کنده کاری اخیر در بلسک نزدیک پولتوا [۷۰] (اوکراین)، یک شهر وسیع باداشتن ساحه بزرگتر از ساحه هر شهری دردنیای زمان خود را ظاهر کرد. این بطور اتفاقی از طرف یک تیم آرخیولوجیست ها به رهبری بوریس شرمکو [۷۱]، به جای گلونوس [۷۲]، پایتخت در نظر قرار گرفته شده اسکوتی ها شناخته شد. دیوار های کنترولی و ساحه وسیعی از ۴۰ کیلومتر مربع، از آنچه هرودوتوس بیان کرده تجاوز کرد. موقعیت او درکنار شمالی بیابان اوکراین، اجازه میداد که کنترل استراتیژی تجارت شمال - جنوب را بدست داشته

باشند. یافته های مربوط قرن های ۵ و ۴ ق.م و وارکشاب های کاردستی و کوزه پزی های یونانی که به مقدار کافی موجود است، اینرا تصدیق میکند

گنج طلا تپه [۷۳]



شاهان با ازدها، طلا تپه

یک محل در ۱۹۶۸ در طلا تپه، در شمال افغانستان (باختر سابق) نزدیک شبرغان، مشتمل قبرهای از پنج زن و یک مرد با ثروت جواهری عظیم پیدا شد که، دارای تاریخ قرن اول ق.م بوده و بطور عموم گمان برده شد که متعلق به قبایل اسکوتی باشد. این قبر ها دارای چندین هزار توتنه های نفیس زیورات بودند که معمولا از اشتراک طلا، فیروزه، لاجورد ساخته شده اند.



تاج شاهی، طلا تپه

در یافته هایی است که، در سطح بالاتری از رخنه تلفیق فرهنگی اند. کلتور هلنیستی و تاثیرات هنری در بسیاری از شکل ها و نمایش های انسان (از امورینی [۷۴] تا با نمایش اتینا [۷۵] حلقه زده و نام ها به زبان یونانی نوشته شده) موجودیت امپراطوری سیلوسید پادشاهی یونان باختری در همین ساحه تا حدود ۱۴۰ ق.م ارائه میکند، ودوام موجودیت پادشاهی اندو - یونان در شمال غرب شبه قاره هند الا شروع دوره ما. این غنای تاثیرهای کلتوری در ساحه باختر در آن زمان را تصدیق میکند.

تاثیرات اسکوتی ها

چین

تاثیرات قدیم آسیای مرکزی بتعقیب تماس های میترپولیتان (پایتخت مرکزی) چین با کوچی وساحه های مرز غربی از قرن ۸ ق.م در چین قابل درک است. یاده [۷۶] (یک نوع سنگ) تراش های چینی شروع به تقلید از دیزاین دشت نشین ها کردند. چینی ها هنر حیوانی دیزاین اسکوتی دشت نشین ها (نمایش حیوانات در حال جنگ در قفس) ، مشخصا قاب چارگوشی کمر بند ساخته شده از طلا و برنز را بخود گرفتند. وسلیقه خود را در یاده واستیتایت [۷۷] خلق کردند.

به تعقیب رانده شدن از طرف یوچی، ممکن بعضی اسکوتی ها در ینان [۷۸] ، در جنوب چین، مهاجرت کرده باشند. حفاری های هنر ماقبل التاریخ تمدن دیان [۷۹] از ینان، صحنه های از شکار سوار کاران قفقازی با لباس های آسیای مرکزی را برملا ساخته است.



قاب های در استایل اسکوتی هنر حیوانی دشت ها، ساخته شده از سنگ های استتایت و یاده مربوط به قرن ۳ ق.م موزیم انگلیس

شمال شرق آسیا

نفوذ اسکوتی در جا های دور در کوریا و جاپان شناسایی شده است. نمونه های هنری مختلف کوریائی، از قبیل تاج های شاهی از دولت شاهی سیلا [80] موجود است که، گفته میشود از دیزاین اسکوتی باشند. تاج های مشابه، که در تماس با این سرزمین آورد شده اند، میتوانند در دوره کوفون [81] جاپان پیدا شوند.



تاج سیلا

ادامه دارد :